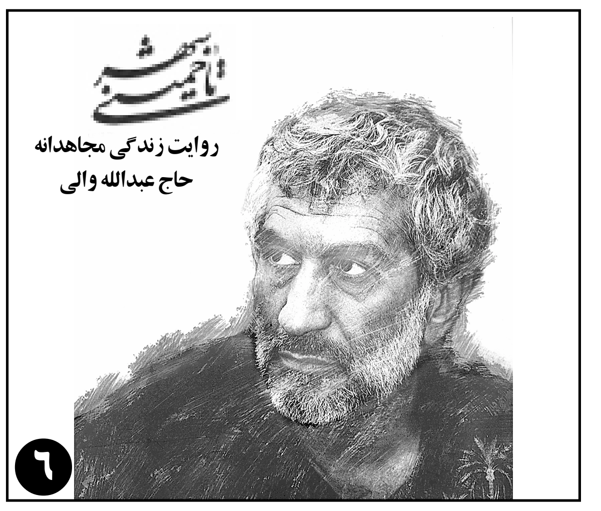

حاج عبدالله نماد کار خیر در عصر ما

*** اهل خیر بودن و دست بده داشتن، گاهی آن قدر در افراد جلوه دارد که انگار جزیی از وجود آن‌هاست. حاج عبدالله هم این گونه است، قسمتی از این خصلت را او و برادرانش از مرشد به ارث برده و یاد گرفته‌اند، اما حاج عبدالله آن را رشد داده و پرورانده و خودش تبدیل شده به نمادی از کار خیر برای خدا. اهل خیر، اهل شبند و اهل خفا، دست بده را چشمی نمی بیند. نزدیک‌ترین افراد به حاجی مشت‌هایی از این خروار را دیده‌اند. همسرش دیده است که گاهی نیمه شب بیرون می‌رود و انگار که به خانه‌هایی از محل سر می‌زند و کیسه‌هایی با خود می‌برد. حاجی و همسرش زندگی را از صفر شروع کردند و چیزی نداشتند، اما در هیچ موقعیتی این دست خیر قطع نشد و برکت هم یار آنان بود.**

داداش من، هم کلاس آقاعبدالله بود. می گفت شما اون رو نشناخته بودید؛ من مبصر کلاس بودم و می‌دیدم که وقتی کسی پول نداشت، آقا عبدالله یواشکی بهش کمک می کرد یه پسره رد شده بود و می‌خواستن از مدرسه بیرونش کنن. خونواده فقیری بودن. آقا عبدالله اومد پیش من گفت: قدیری، به آقای فلانی بگو، من این قدر پول بهش می‌دم. مواظب این باشه. حتی حاضر بود که نمره خودش رو بده به اون دانش‌آموز.

هر کی مشکل ریاضی هم داشت از آقاعبدالله می‌پرسید. چه دخترها، چه پسرها. اون قدر بهش اعتماد داشتند که حتی خونواده‌ها دختراشون رو می‌فرستادن پیشش تا بهشون درس بده. درمقابل نامحرم حیای عجیبی داشت و اصلا سرش را بالا نمی‌آورد. از همون قبل جوونیش خودش رو وقف مردم کرده بود.[۱]

حاج عبدالله وقتی شرایط مسموم فرهنگی قبل از انقلاب را می‌بیند، خودش دست به کار می‌شود و سعی می‌کند به نحوی دوستان و اطرافیانش را با دعوت کردن به هیئت و پناه‌بردن به معصومین(ع) حفظ کند.

حاج امیر والی: حاجی دید یه سری از بچه‌های محل و تیم فوتبال، همین جوری شب‌ها رو هم تو کوچه جمع می‌شن، رفت بهشون گفت واسه‌چی این جا الکی جمع شدید، بیاین بریم تو جلسه هیئت شرکت کنیم.

بیشتر پولی که در می‌آورد رو خرج همین هیئت و این کارها می‌کرد. حاجی از جوونیش کار می‌کرد، هم درس می‌داد و هم تو کار سیم کشی برق وارد بود. تو هر کاری می‌رفت زود یاد می‌گرفت. اگر کسی پول نداشت، مجانی کارش را انجام می‌داد. اگر پولی هم می‌گرفت، می‌رفت شربت و شیر و این جور چیزها می‌گرفت، می‌آورد تو هیئت از بچه‌ها پذیرایی می‌کرد. این جوری سعی می‌کرد بچه‌های محل رو بیشتر جذب هیئت کنه تا تو اون فضای قبل از انقلاب سالم بمونن.[۲]

حاج عبدالله جوان مورد اعتماد محل است و همه به او احترام می‌گذارند، هم به خاطر پدرش و هم به خودش. حتی کسانی که سر کوچه‌ها می‌ایستادند، نمی‌گذارند کسی در مورد حاج عبدالله بد بگوید. در دل همه جا کرده‌بود. با این که گاهی برخوردهای سختی هم با آنها کرده‌بود. مهربانی و مردم‌داری او باعث نمی‌شد از حلال و حرام خدا عبور کند چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب.

حاج محمود والی: اکثر عروسی‌ها و بعضی مجالس قبل از انقلاب رو که توش گناه بود، حاجی اصلا شرکت نمی‌کرد. خب ما هم اگر می‌دونستیم زن و مرد قاطیه، نمی‌رفتیم. اما حاجی جلوتر بود، تذکر هم می‌داد. علنا می‌رفت، بهشون می‌گفت، نکنید، پس فردا می‌میرید، باید جواب بدید! وقتی بحث گناه بود، رودر روی فامیل و آشنا وامیستاد و می‌گفت. وقتی هم که می‌خواست برای خودمون مهمون بیاد، علنا وامیستاد دم در خونه و می‌گفت: بی‌چادر خونه ما نیاین. از قبل انقلاب تا بعدش همین جوری بود.

یکی از اقوام نزدیک ما که خمس نمی‌داد، اسمش در اومد برای حج. با حاجی رفتیم باهاش صحبت کردیم و قبول کرد که قبل ازسفر حساب و کتاب کنه و خمسش رو بده، اما اجل مهلت نداد و قبلش فوت کرد. تو اون اوضاع که همه ما آه و ناله و گریه می‌کردیم و درگیر مراسم بودیم، حاجی با این که ناراحت بود اما می‌گفت: باید سریع بریم خمسش رو بدیم.

گفتیم: حاجی الان شر می‌شه، خیلی زوده. حداقل بگذار شب هفتش بگذره.

گفت: نه، ما باید نجاتش بدیم. من رفتم تو قبر گذاشتمش. تو که نمی‌دونی اون الان تو چه وضعیه؟

خلاصه همون روزها رفتیم و خمسش رو حساب کردیم و قبل از هر کاری خمسش‌رو دادیم. جالب بود، با این که بعضی از فامیل از دست این کارهای حاجی دلگیر می‌شدن و می‌گفتن حاجی زیاد سخت‌گیری می‌کنه، اما همشون حاجی‌رو از همه بیشتر قبول داشتن و وصیت می‌کردن حاجی بگذارتشون تو قبر.[۳]

حدود سال چهل و شش است که حاج عبدالله دیپلم می‌گیرد اول اقدام می‌کنند که به خاطر مرشد، برای او معافی بگیرند که نمی‌شود، حاجی به سربازی می‌رود. ابتدا شیراز، بعد باغ شاه[۴] و بعد میانه. سربازی که تمام می‌شود حاجی در بانک صادرات استخدام می‌شود و کمی که می‌گذرد موضوع ازدواج پیش می‌آید.

همسر حاج عبدالله والی: ما با هم همسایه دیوار به دیوار بودیم و ایشون معتمد محل بودند، به دخترهای محل هم درس می‌داد. من هم یکی از شاگردهای ایشون بودم. درس دادن ایشون به ما، می‌خوره به سال چهل و هشت، چهل و نه. بالاخره خونوادشون اومدن صحبت کردن و قسمت شد و ما سال پنجاه و دو ازدواج کردیم، اون زمان فکر کنم حاجی بیست و پنج سالش بود.[۵]

مراسم عروسی، بسیار ساده و در خانه مرشد و دو تا از همسایه‌ها برگزار می‌شود. شام را هم در یکی از خانه‌ها درست می‌کنند. حاج عبدالله خانه‌ای برای خود ندارد و برای اول زندگی اتاقی بالای منزل پدری می‌سازد و تا چند سال همان جا زندگی می‌کنند. چهار سال بعد، با وامی که می‌گیرد، خانه‌ای کوچک برای خودشان می‌خرد و به آن جا می‌روند. همان روزهای اول نقل مکان، مرشد نصرالله به پسرش می‌گوید حالا که جدا شده‌اند، باید یک روز در ماه را انتخاب کنند و در خانه مجلس روضه داشته باشند. حاج عبدالله برای این که عاشورای هر سال مراسم برگزار کند، روزهای دهم ماه قمری را برای مجلس روضه‌خوانی در منزلشان انتخاب می‌کند.

حاجی ابتدا در بانک صادرات خیابان ایران مشغول به کار می‌شود. بعد به شعبه خیابان ری می‌رود. استعداد و تلاش حاج عبدالله و مهم‌تر از آن اخلاق و قابل اعتماد بودنش، باعث می‌شود در کار بانکی، سریع رشد کند.[۶] آن موقع‌ها در شعبه‌های عادی، معمولا سه، چهار نفر کار می‌کردند. حاج عبدالله بعد از مدت کوتاهی، عضو مقدم می‌شود. کسی که به نوعی معاون رئیس شعبه محسوب می‌شود، با این که خود باجه‌دار است اما سرپرستی و آموزش کارمندان تازه‌وارد به عهده اوست. یکی از این کارمندان آقای قوامی است که سال پنجاه و چهار به شعبه ری می‌آید و هم کار حاجی می‌شود.[۷]

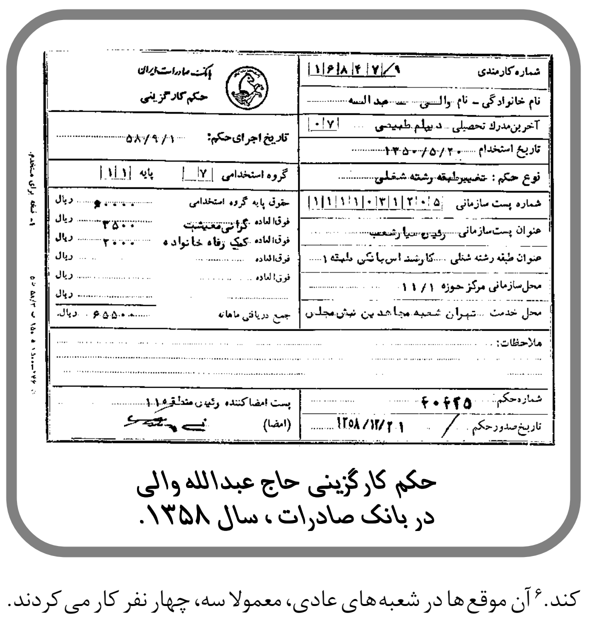

بانک صادرات ایران
حکم کارگزینی
شماره کارمندی: ۱|۶|۸|۴|۷|۹
نام خانوادگی ـ نام: والی ـ عبدالله
آخرین مدرک تحصیلی: دیپلم طبیعی |۰|۷|
تاریخ استخدام: ۱۳۵۰/۵/۲۰
تاریخ اجرای حکم: ۵۸/۹/۱
نوع حکم: تغییر طبقه رشته شغلی
گروه استخدامی |۷| پایه |۱|۱|
شماره پست سازمانی: |۱|۱|۱|۱|۱|۰|۳|۱|۲|۰|۵|
عنوان پست سازمانی: رئیس سیار شعب
عنوان طبقه رشته شغلی: کارشناس بانکی طبقه ۱
محل سازمانی: مرکز حوزه ۱/۱۱
محل خدمت: تهران شعبه مجاهدین نبش مجلس
حقوق پایه گروه استخدامی: [illegible] ریال
فوق‌العاده گرانی معیشت: ۳۵۰۰ ریال
فوق‌العاده کمک رفاه خانواده: ۲۰۰۰ ریال
فوق‌العاده: ریال
فوق‌العاده: ریال
جمع دریافتی ماهانه: ۶۵۵۰۰ ریال
ملاحظات:
شماره حکم: ۴۰۴۲۵
تاریخ صدور حکم: ۱۳۵۸/۱۲/۲۱
پست امضاکننده: رئیس منطقه ۱۱
(امضا)

حکم کارگزینی حاج عبدالله والی در بانک صادرات، سال ۱۳۵۸.

آقای قوامی: همون لحظه اول که با حاجی روبه‌رو شدم، من رو جذب کرد. رفتار و کردارش جوری بود که انگار چند ساله آدم رو می‌شناسه. طوری بود که حس کردم می‌توانم روی رفاقتش حساب کنم، همون اولین برخورد کافی بود. من تازه ازدواج کرده بودم و مشکل خونه داشتم. نمی‌تونستم؛ مثلا پنجاه هزار تومان بدم برای پول پیش. هنوز یک هفته هم نمی‌شد که رفته بودم تو بانک و با حاجی آشنا شده بودم. رفتم گفتم: حاجی من ازدواج کردم ولی از لحاظ پول پیش برای اجاره خونه در مضیقه هستم.

سریع گفت: خونه فامیل ما هست، طبقه پایینه و حیاط هم داره!

خودش رفت و اون جا رو برای ما اجاره کرد، بدون این که پول پیش بدیم، فقط اجاره می‌دادیم. حاجی خب دو سال قبل از من اومده بود تو بانک و در اصل استاد ما بود تو کار. اما خیلی زود ما با هم صمیمی شدیم و حتی با هم رفت و آمد خانوادگی پیدا کردیم و دو تا مسافرت رفتیم.

حاج آقا خیلی ساده بود. او موقع همه باید اجبارا سر کار کراوات می‌زدن. ولی حاجی نمی‌زد، از این چیزها خوشش نمی‌آومد. با این که جوون بود، ولی یه احترام دیگه‌ای داشت و حتی مشتری‌ها هم یه برخورد دیگه‌ای باهاش داشتن. احترامی که به حاجی می‌گذاشتن، به رئیس شعبه نمی‌گذاشتن. اکثرا هم از همون قبل انقلاب فکرش رو خونده بودن و می‌دونستن حاجی چه اعتقاداتی داره و به همین خاطر بهش احترام می‌گذاشتن.

از نظر کاری هم خیلی قوی بود و هیچ وقت از کار کم نمی‌گذاشت. مهارت حاجی تو کارهای بانکی در حدی بود که حتی رئیس شعبه بعضا تو کارها ازش راهنمایی می‌خواست. آدم باهوش و فعالی بود. می‌تونست مسائل بانکی رو خوب تحلیل کنه، واقعا وارد بود.[۸]

حاج عبدالله که از جوانی دست به خیر بود و گره از مشکل مردم باز می‌کرد، بانک را هم فرصتی در این جهت می‌دید. امان از روزی که پرونده وامی به مشکل می‌خورد و حاجی از نیاز وام گیرنده باخبر و مطمئن می‌شد. با این و آن صحبت می‌کرد، این جا و آن جا می‌رفت. در آخر هم اگر کاری از دست بانک ساخته نبود، به سراغ صندوق‌های قرض‌الحسنه آشنا می‌رفت و کار را از طریق آن‌ها پیگیری می‌کرد.

اهل خیر بودن و دست بده داشتن، گاهی آن قدر در افراد جلوه دارد که انگار جزیی از وجود آن‌هاست. حاج عبدالله هم این گونه است، قسمتی از این خصلت را او و برادرانش از مرشد به ارث برده و یاد گرفته‌اند، اما حاج عبدالله آن را رشد داده و پرورانده و خودش تبدیل شده به نمادی از کار خیر برای خدا. اهل خیر، اهل شبند و اهل خفا، دست بده را چشمی نمی‌بیند.

نزدیک‌ترین افراد به حاجی مشت‌هایی از این خروار را دیده‌اند. همسرش دیده است که گاهی نیمه شب بیرون می‌رود و انگار که به خانه‌هایی از محل سر می‌زند و کیسه‌هایی با خود می‌برد. حاجی و همسرش زندگی را از صفر شروع کردند و چیزی نداشتند، اما در هیچ موقعیتی این دست خیر قطع نشد و برکت هم یار آنان بود.

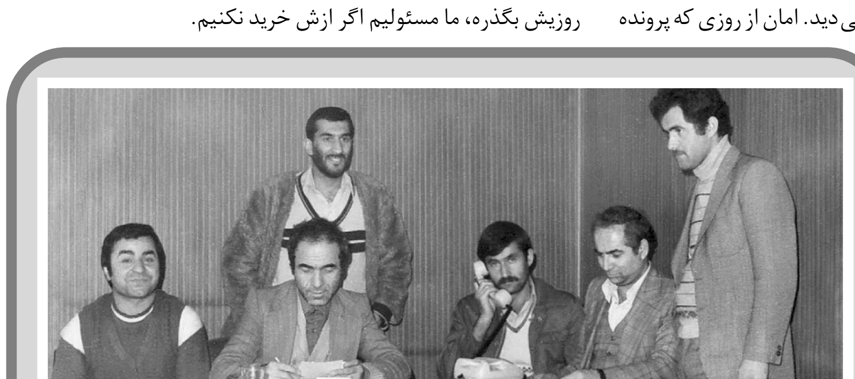

بانک صادرات، ایستاده از سمت راست آقای قوامی، حاج عبدالله والی.

همسر حاج عبدالله والی: همون ماه‌های اول زندگیمون بود. حاج آقا خودش اکثراً دیر می‌اومد خونه. بعضی وقت‌ها هم می‌دیدم رفته بیرون. یه بار گفتم: کجا می‌ری؟

گفت: من برم این جا سر موتور آب یه کاری دارم و می‌آم.

بعد فهمیدم یه آقای معلمی رو ساواک گرفته و بازداشت بوده. حاجی می‌رفت یه کمک‌هایی برای خونواده ایشون می‌برد و سعی می‌کرد مشکلاتشون رو حل کنه.

گاهی ساعت دو، سه نصفه شب در خونه ما رو می‌زدن. حاجی هم اصلاً ناراحت نمی‌شد. می‌گفت: این‌ها رو خدا فرستاده. یه جوری هم بود که می‌خواست دست رد به سینه هیچ کس نزنه. بالاخره می‌رفت یه جوری کارشون رو راه می‌انداخت.

یک بار ساعت دو نصفه شب ما خواب بودیم که در زدن. حاج آقا رفت دم در. یکی از دوستانش بود، می‌گفت خانمم تو بیمارستانه و باید برم مرخصش کنم. اما آه در بساط ندارم. آخر شبی اومدم در خونه شما. حاج آقا با ایشون رفت بیمارستان و کارهاش رو راه انداخت و خانمش رو مرخص کرد. دیگه صبح شده بود که اومد خونه.

یا این که یه ساندویچ فروشی سر کوچه ما باز شده بود که صاحبش اصلاً وضع مالی خوبی نداشت. از مغازه‌اش هم معلوم بود که به هر زور زدنی بوده این مغازه رو باز کرده تا بتونه زندگیش رو بچرخونه. بچه‌هامون هنوز کوچیک بودن. یه روز گفتن ما ساندویچ می‌خواهیم. حاج آقا رفت از خونه بیرون و سریع بازگشت. دیدم دستش ساندویچه. گفتم: چه سریع؛ از کجا خریدی؟

گفت: از همین سر کوچه. این بنده خدا ساندویچی رو باز کرده که روزیش بگذره، ما مسئولیم اگر ازش خرید نکنیم.

بعدها متوجه شدم که حاج آقا خودش یه پولی رو به اون داده بوده که جنس بگیره و بریزه تو مغازش تا کار رو راه بیندازه.

براش فرق نمی‌کرد کسی که به کمک احتیاج داره کیه؟ کسی سفارش اون رو کرده یا نه، اصلاً به این چیزها فکر نمی‌کرد. دست هر کسی رو که می‌تونست می‌گرفت و بلندش می‌کرد. همین طور ازش خیر می‌ریخت؛ مثلاً می‌رفت مغازه کله‌پزی، می‌دید یه آدم گرفتار هم نزدیک مغازه وایستاده که توان خرید نداره. یه ظرف هم برای او می‌گرفت و بهش می‌داد.

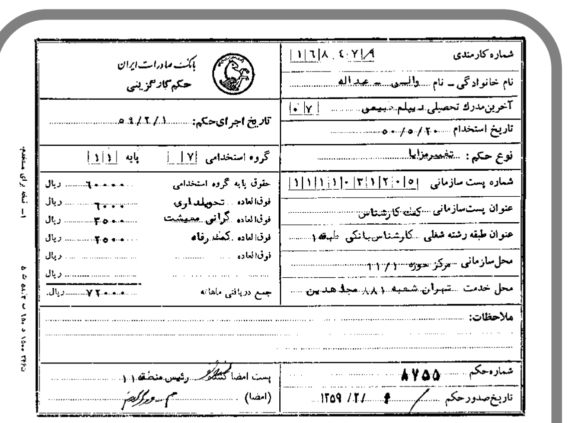

بانک صادرات ایران
حکم کارگزینی
شماره کارمندی: ۱|۶|۸|۴|۷|۹
نام خانوادگی ـ نام: والی ـ عبدالله
آخرین مدرک تحصیلی: دیپلم طبیعی |۰|۷|
تاریخ استخدام: ۱۳۵۰/۵/۲۰
تاریخ اجرای حکم: ۵۹/۲/۱
نوع حکم: تغییر مزایا
گروه استخدامی |۷| پایه |۱|۱|
شماره پست سازمانی: |۱|۱|۱|۱|۱|۰|۳|۱|۲|۰|۵|
عنوان پست سازمانی: کمک کارشناس
عنوان طبقه رشته شغلی: کارشناس بانکی طبقه ۱
محل سازمانی: مرکز حوزه ۱/۱۱
محل خدمت: تهران شعبه مجاهدین
حقوق پایه گروه استخدامی: [illegible] ریال
فوق‌العاده تحصیلداری: [illegible] ریال
فوق‌العاده گرانی معیشت: [illegible] ریال
فوق‌العاده کمک رفاه: [illegible] ریال
جمع دریافتی ماهانه: ۷۲۰۰۰ ریال
ملاحظات:
شماره حکم: ۸۷۵۵
تاریخ صدور حکم: ۱۳۵۹/۲/۴
پست امضاکننده: رئیس منطقه ۱۱
(امضا)

حکم کارگزینی حاج عبدالله والی در بانک صادرات، سال ۱۳۵۹.

این تیپی بود. براش فرقی نمی‌کرد طرف کیه. بارها و بارها پیش اومده بود که باهم می‌رفتیم خرید. من که خریدم رو می‌کردم دو، سه تا پاکت هم اضافه می‌خرید، می‌گفت برای گرفتارا. حتی یه لوکس فروشی تو محلمون بود که ورشکست شده بود، داشت آبروش می‌رفت که حاج آقا به دادش رسید و نجاتش داد. ما وضع مالی آن چنانی هم نداشتیم. حاج آقا یه حقوق ساده کارمندی از بانک می‌گرفت، اما کسی که نمی‌دونست. وقتی حاج آقا رو می‌دید که این‌قدر به این و اون کمک می‌کنه، فکر می‌کردن خیلی پولداریم!

حاج آقا حتی گاهی یه سری کارها می‌کرد تا بتونه پول بیشتری داشته باشه و بیشتر کار خیر بکنه؛ مثلاً تو خیابون ایران یه فرش فروشی بود که با حاج آقا دوست بود. حاج آقا گاهی عصرها، بعد از بانک می‌رفت اون جا کار خرید و فروش می‌کرد و هرچی هم درمی‌آورد خرج کارهای خیر می‌کرد.[۹]

حاج عبدالله به جز کارهایی که خودش به تنهایی انجام می‌داد، در مؤسسه‌ها و بنیادهای خیریه هم فعالیت می‌کرد. اولین مؤسسه خیریه‌ای که حاج عبدالله با آن آشنا شد، خیریه «ثامن‌الحجج» از خیریه‌های قدیمی تهران بود.

این خیریه، سال چهل‌ونه، در حسینیه همدانی‌های خیابان ری که آن موقع حسینیه کوچکی بود تأسیس شد. خیریه تعداد زیادی از خانواده‌های محروم را در مناطق مختلف تهران شناسایی کرده بود و هر ماه به آن‌ها ارزاق و کمک‌های مالی می‌رساند. این کار توسط افرادی انجام می‌گرفت که به آن‌ها «موزع» گفته می‌شد. هر موزع چند خانواده را برعهده داشت و هرماه کمک‌ها را به آن‌ها می‌رساند و در کنار این کمک‌ها برای این خانواده‌ها برنامه‌های فرهنگی هم داشت که در زمان طاغوت کار بسیار مهم و حساس و البته خطرناکی بود. آقای ملک‌شاهی از همان روزهای تأسیس خیریه «ثامن‌الحجج» در این مجموعه فعال بوده است.

آقای ملک‌شاهی: من اون موقع چون جوون و پرانگیزه بودم مسئولیت چهل تا خونواده‌رو داشتم. از شمرون شروع می‌شد تا شهرری و از اون طرف تا ورامین. هفته‌ای دو شب تو خیریه کار می‌کردیم و جمعه‌ها هم ارزاق‌رو به خونواده‌ها می‌رسوندیم. ساعتی پیششون می‌نشستیم و به مشکلاتشون گوش می‌کردیم و به مؤسسین خیریه منعکس می‌کردیم. او زمان رسیدگی به مشکلات فقرا و ایتام، یک کار فرهنگی و سیاسی بود. فرح زن شاه یه خیریه خیلی بزرگ زده بود که خیلی امکانات داشت. به یه سری از خونواده‌ها کمک می‌کردن و بهشون تلویزیون می‌دادن که هم جذب حکومتشون کنن و هم فرهنگشون رو خراب کنن. کار ما خیلی سخت بود. باید با ظرافت با این خانواده‌ها صحبت می‌کردیم و این تلویزیون رو برمی‌داشتیم و چیزی جایگزینش می‌کردیم و نسبت به ظلم‌های حکومت آگاهشون می‌کردیم. از او طرف هم باید طوری عمل می‌شد که همه فکر کنند ما با سیاست کاری نداریم و فقط موسسه خیریه‌ایم.

۱- مصاحبه با آقای مهدی قدیری، تهران، ۱۳۸۷/۴/۱
۲- مصاحبه با حاج امیر والی، بشاگرد ۸۷/۱۱/۲۱
۳-مصاحبه با حاج محمود والی، بشاگرد، ۱۳۸۶/۷/۱۲
۴- میدان حر فعلی.
۵- مصاحبه با همسر حاج عبدالله والی، تهران ۱۳۸۷/۴/۱۹.
۶- سند شماره ۵ و ۶.
۷- عکس شماره ۱۴.
۸- مصاحبه با آقای قوامی، تهران، ۱۳۸۷/۴/۴.
۹. مصاحبه با همسر حاج‌عبدالله والی، تهران، ۱۳۸۷/۴/۱۹

آگهی مزایده عمومی فروش موتورسیکلت و خودرو اسقاط ۱-۹۱ (نوبت اول)

۱- نام دستگاه مزایده‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان (سهامی خاص)
۲- موضوع مزایده: فروش انواع موتورسیکلت و خودرو اسقاط موجود در انبار مرکزی شرکت
۳- محل خرید اسناد مزایده: رشت- بلوار امام خمینی- بالاتر از میدان مصلی- شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان- امور تدارکات و انبارها و یا تهران- سعادت‌آباد- میدان کاج- خیابان شهید خلبان جمشیدی (یک)- خیابان شبنم- کوی لاله- پلاک ۱۴ می‌باشد.
۴- قیمت خرید اسناد و شماره حساب: مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال (دویست هزار ریال) به حساب سپهر شماره ۰۲۰۷۳۹۴۱۸۰۰۰۰ نزد بانک صادرات شعبه ۵۴۹ فرهنگ رشت به نام شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان
۵- تضمین شرکت در مزایده: ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال (سی میلیون ریال)
۶- مهلت فروش اسناد: از تاریخ ۹۱/۴/۱۷ لغایت تاریخ ۹۱/۴/۲۷
۷- زمان بازدید از موتورسیکلت و خودروهای اسقاط: همه روزه ساعت ۹ لغایت ۱۳ از تاریخ ۹۱/۴/۱۷ لغایت ۹۱/۴/۲۷
۸- محل تحویل و مهلت پیشنهاد قیمت: اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان و حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۹۱/۴/۲۷
۹- تاریخ و مکان بازگشائی پاکات مزایده: روز سه شنبه مورخ ۹۱/۴/۲۷ رأس ساعت ۱۵ سالن اجتماعات شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان واقع در رشت بلوار امام خمینی می‌باشد.
۱۰- شماره تلفنهای تماس: ۶۶۰۶۵۷۱-۰۱۳۱-۶۶۶۳۰۰۶ و ۰۲۱-۲۲۰۶۲۵۶۷
سایر موارد و جزئیات مربوط به مزایده در برگ شرایط مربوطه قید گردیده است.
آدرس اینترنتی: http://www.gilanpdc.ir
http://tender.tavanir.org.ir
http://iets.mporg.ir
پست الکترونیکی: INFO@GILANPDC.IR
شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان

آگهی حصر وراثت

آقای حسن شهرت جلیل پور نام پدر غلامرضا بشناسنامه ۴۷۶ صادره از اهواز درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که مادرم مرحومه بیگم شهرت قاضی ناصری بشناسنامه ۲۰۹۵۶ صادره اهواز در تاریخ ۹۱/۱/۱۴ در اهواز اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی حسن جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش ۴۷۶ صادره از اهواز ۲- حسین جلیل پور فرزند غلامرضا ش.ش ۶۲ صادره از اهواز ۳- محمدرضا جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش۳۳۹ صادره از اهواز (پسران متوفی) ۴- فخری جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش ۷۵۹ صادره از اهواز ۵- اشرف جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش۱۸۳ صادره از اهواز ۶- معصومه جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش ۷۸۱ صادره از اهواز ۷- نسرین جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش۷۲ صادره از اهواز ۸- فرح زاد جلیل پور فرزند غلامرضا به ش.ش۴۲۸ صادره از اهواز (دختران متوفی) ولاغیر ورثه دیگری ندارد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم والا گواهی صادر و هر وصیت نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره۳ اهواز
سیدجواد حسن‌زاده

برگ سبز خودروی سانتافه مدل ۲۰۱۱ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۵۶۱د۹۱ ایران ۱۵ متعلق به آقای صولت همت جو جوبند فرزند الهویردی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

شرکت مخابرات استان فارس

آگهی تجدید مناقصه
شماره ۹۱/۱۱

شرکت مخابرات استان فارس در نظر دارد نسبت به اجرای عملیات تکمیل ساختمان هفت طبقه اداری شیراز ضلع شرقی براساس مشخصات فنی موجود در اسناد و دستورالعمل های اجرایی از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا از کلیه پیمانکاران حقوقی واجد شرایط که دارای رتبه بندی مرتبط از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری می باشند دعوت بعمل می آید پس از نشر آگهی در ساعات اداری به اداره خرید و قراردادهای این شرکت واقع در خیابان قصردشت- نبش خیابان ولی عصر(عج)- ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان فارس- طبقه اول مراجعه و ضمن واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال (دویست هزار ریال) به حساب شماره ۱۵۶۷۸۹۱۰۰۵ و کد شناسه ۲۴۰۰۴۸۰۵۰۸۱۲۲ بانک ملت شعبه سراسری جام، اسناد مناقصه را دریافت و پس از بررسی کامل با توجه به مفاد آن و تاریخ های ذیل کلیه صفحات اسناد مذکور را مهر و امضاء نموده و به همراه پیشنهاد قیمت خود حداکثر تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۱/۵/۷ به نشانی مذکور واحد دبیرخانه تحویل و رسید دریافت نمایند، ضمنا سایر جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد درج شده است.
۱-مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲-تاریخ شروع فروش اسناد: از تاریخ انتشار آگهی
۳-تاریخ پایان فروش اسناد: تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۱/۴/۲۶
۴-زمان نهایی تحویل پاکات حداکثر تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخه ۹۱/۵/۷
۵-تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب روز یکشنبه مورخ ۹۱/۵/۸ ساعت ۱۴ اتاق کمیسیون معاملات
۶-تاریخ بازگشایی پاکت ج (قیمت) روز یکشنبه مورخ ۹۱/۵/۱۵
- پیشنهاددهندگان مکلف می باشند معادل مبلغ سپرده شرکت در مناقصه تضمین های معتبر مطابق مقررات بصورت ضمانتنامه بانکی و یا چک بانکی تضمینی در وجه شرکت مخابرات استان فارس تهیه و ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نمایند.
تذکر: به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و یا فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
شرکت مخابرات استان فارس
WWW.SHIRAZTEL.CO.IR

آگهی فراخوان مناقصه عمومی نوبت (اول)
اداره کل نوسازی مدارس استان سیستان و بلوچستان

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان درنظر دارد از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام به خرید ۱۰۵ دستگاه کانکس در سطح استان نماید. علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌توانند به سایت: www.iets.mporg.ir (پورتال نوسازی مدارس استان www.nosazimadares.ir, سیستان و بلوچستان) مراجعه و جهت خرید اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته با دردست داشتن گواهی تشخیص صلاحیت و فیش بانکی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲۱۷۰۰۰۹۲۶۹۱۰۰۱ بانک ملی شعبه خزانه به دستگاه مناقصه گزار زاهدان- کوی قدس- خیابان شهید چمران اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان (واحد قراردادها) مراجعه نمایند.
ضمناً تضمین شرکت در مناقصه به صورت وجه نقد به حساب شماره سیبا ۲۱۷۳۰۶۲۶۱۱۰۰۳ بانک ملی زاهدان واریز یا ضمانتنامه بانکی که برای مدت سه ماه از تاریخ فروش اسناد تا آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها معتبر و تا مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد. ضمناً تاریخ تحویل اسناد تا پایان وقت اداری ۹۱/۵/۹ و تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه ۹۱/۵/۱۰ اعلام می‌گردد.

ردیف	عنوان پروژه	مبلغ برآورد (ریال)	مدت اجرا (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید ۱۰۵ دستگاه کانکس در سطح استان	۱۰/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲	۵۲۵/۰۰۰/۰۰۰

روابط عمومی اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان

آگهی مناقصه

معاونت مهندسی نیروی انتظامی در نظر دارد جهت **احداث پروژه ساختمان نیمه کاره ستاد گیلان در شهر رشت** با مشخصات ذیل:
۱) متراژ پروژه: ساختمان ۴۰۰۰ متر مربع
۲) برآورد پروژه: ۱۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳) سیستم سرمایش: چیلر و فن‌کوئل و گرمایش شوفاژ
۴) محل تامین اعتبار: ساماندهی
۵) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (فقط ضمانتنامه بانکی معتبر مورد قبول است)
۶- پیمان: به صورت اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع (مقطوع) براساس فهرست بهای پایه ابنیه، برقی و مکانیکی سال ۱۳۸۸ و کلیه ضرایب متعلقه به این فهرست بها و کسورات براساس طرح‌های غیرعمرانی نسبت به برگزاری تشریفات مناقصه اقدام نماید. لذا از کلیه پیمانکاران واجد صلاحیت پیمانکاری معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری که دارای پایه حداقل ۵ در رشته ابنیه و دارای پایه حداقل ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات می باشند دعوت می‌گردد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز با به همراه داشتن فتوکپی برابر با اصل رتبه بندی شرکت جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد ارزیابی توان اجرایی کار به آدرس ساری کیلومتر ۲ جاده نکا- روبروی ایران خودروی رضائی دفتر مجری طرح‌های عمرانی شمال کشور **تلفن: ۳۲۸۰۴۰۰ دورنگار ۲۱۸۲۷۷۷** مراجعه نمایند.
* هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
معاونت مهندسی نیروی انتظامی

نشریه زن روز
اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی شنبه‌ها
بصورت سراسری منتشر می‌گردد

مزایده شماره ۹۱/OSH/109 شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)

شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) در نظر دارد خودرو، ماشین‌آلات و اقلام ذیل را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.
الف) تنوع امکانات:
بلدوزر کاترپیلار D8- بیل مکانیکی R912 هیکو- تراکتورفرگوسن- کشنده کن‌ور با کفی- سواری پیکان- وانت نیسان- کمپرسور هوا برقی پارس- دینام ژنراتور- موتور جوش دیزلی لینکلن- ترانس جوش معمولی و آرگون- دستگاه برش گرم مولر- دستگاه برش گرم پلیت CNC- کیس کامپیوتر و لوازم خانگی- کولر گازی- فلنج و زانوئی البونو در سایزهای مختلف (حدود ۲۰۰۰ عدد)- آهن‌آلات ضایعاتی (حدود ۲۰۰۰ تن و سپرده یک میلیارد ریال).
ب) شرایط مزایده:
۱- اهلیت قانونی خریدار. ۲- فروشنده در رد یا قبول پیشنهاد مختار است. ۳- خریدار پس از برنده شدن مکلف است ۱۰٪ ارزش خرید را به عنوان سپرده بپردازد. ۲٪ ارزش خرید را به عنوان هزینه‌های جانبی و ۵٪ به عنوان مالیات بر ارزش افزوده پرداخت نماید. ۴- در صورت انصراف، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد. ۵- کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده خریدار است.
ج) زمان بازدید: روزهای ۹۱/۴/۲۱ و ۹۱/۴/۲۲ صبح ۱۲-۸ عصر ۱۶-۱۴
د) محل بازدید و برگزاری مزایده: بوشهر- خیابان شیف- جزیره صدرا.
زمان برگزاری مزایده: مورخ ۹۱/۴/۲۴ شروع مزایده رأس ساعت ۹ صبح
تلفن تماس: ۶۳-۴۴۱۵۳۹۶۲-۰۲۱ و ۰۹۱۲۴۲۴۱۴۱۱

آگهی دعوت

از کلیه صاحبان سهام **شرکت تولیدی صنعتی تکنوپخت سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۱۵ ثبت شرکت‌های رفسنجان** دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی و فوق‌العاده‌ای که راس ساعت ۱۰ صبح ۹۱/۴/۲۹ در محل قانونی شرکت واقع در رفسنجان ابتدای جاده کرمان تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.
دستور جلسه عبارت است از:
۱- افزایش سرمایه شرکت به میزان مورد لزوم براساس قانون تجارت.
۲- اصلاح و یا تغییر موادی از اساسنامه.
۳- اتخاذ هرگونه تصمیمات لازم و قانونی.
هیئت مدیره شرکت

آگهی ابلاغ اجرائیه ماده۱۸

بدین وسیله به آقای احمد عزت‌آبادی فرزند عباس ساکن حاجی‌آباد روستای صالح‌آباد، کشاورزی و گاوداری عزت‌آبادی ابلاغ می‌شود که بانک اقتصاد نوین شعبه بندرعباس جهت وصول طلب خود به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل و خسارت تا تاریخ ۸۸/۵/۲۹ و از تاریخ مذکور تا روز وصول طبق مقررات به موجب سند رهنی شماره ۱۶۷۷۰۰ مورخ ۸۶/۴/۲۷ تنظیمی دفترخانه شماره۹ بندرعباس علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۸۸/۳۷۸۶ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۸۸/۸/۲۲ مامور مربوطه آدرس شما به شرح متن سند فوق شناخته نشده و آدرس فعلی شما نیز برای این اجرا مشخص نمی‌باشد لذا به تقاضای وارده شماره ۸۹/۳۵۰۱/۲۲۲ مورخ ۸۹/۲/۱۸ بستانکار و طبق ماده۱۸ آیین‌نامه اجرا مفاد اجرائی یک مرتبه در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدامی ننمایید مورد وثیقه مندرج در سندرهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفاء خواهد شد.
اسمعیل ربیعی‌نژاد
سرپرست ثبت اسناد و املاک بندرعباس

شرکت مخابرات استان قزوین (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۹۱/۱۳ق یک مرحله‌ای
(چاپ نوبت دوم)

***شرح مناقصه: اجرای پروژه تهیه و نصب طرح نرده‌کشی محوطه۳۴ سایت BTS ارتباطات سیار در سطح استان قزوین طبق شرایط اعلام شده در مشخصات فنی و سایر اسناد مناقصه و طرح قرارداد ارائه شده.**
***مدارک لازم برای دریافت اسناد:** ارائه آدرس دقیق مکاتباتی با ذکر کدپستی و شماره تلفن تماس به همراه ارائه نسخه صاحب حساب فیش بانکی واریزی مبلغ ۱۰۵۰۰۰ ریال به حساب جاری ۰۱۰۵۹۸۸۸۴۳۰۰۶ نزد بانک ملی مرکزی قزوین
***مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۱ لغایت ۱۳۹۱/۴/۲۱
***مهلت ارائه پاکتهای مناقصه:** لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۱/۵/۱
***میزان تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۱۴۲,۳۱۳,۶۰۰ ریال بصورت چک تضمین شده بانکی یا ضمانت نامه بانکی یا فیش نقدی واریزی به حساب جاری ۰۱۰۵۹۸۸۸۴۳۰۰۶ نزد بانک ملی شعبه مرکزی قزوین
* به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
***محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پاکتهای پیشنهادی:** قزوین انتهای بلوار امام خمینی(نوروزیان) شرق صدا و سیمای قزوین، ساختمان ستادی شرکت مخابرات استان قزوین- طبقه همکف- واحد قراردادها
***تاریخ بازگشائی:** پاکتهای الف و ب و ج مناقصه‌گران در ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ بازگشائی میگردد ضمناً حضور نمایندگان رسمی شرکتهای مناقصه‌گر با داشتن معرفی‌نامه کتبی و کارت ملی در کمیسیون مناقصه بلامانع است.
*به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر در این فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
*سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج شده است.
شرکت مخابرات استان قزوین
(سهامی خاص)
سایت اینترنتی WWW.TC-QAZVIN.ir
اقدام اداره تدارکات و خدمات- واحد قراردادها
۰۲۸۱۳۶۶۲۷۱۱ و ۰۲۸۱۳۶۶۸۸۸۲ و
فاکس ۰۲۸۱۳۶۷۱۷۹۶

آگهی ابلاغ در وقت دادرسی حقوقی

در پرونده کلاسه حقوقی ۹۱۰۱۲۱ شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف قزوین آقای حسین کیوانی فرزند محمد دادخواستی تقدیم شورا نموده‌اند مبنی بر مطالبه وجه سفته ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال چون آقای محمود حاجی استاد نورانی مجهول‌المکان می‌باشد لذا بدین‌وسیله به وی ابلاغ می‌گردد تا در روز ۹۱/۵/۳۱ ساعت ۱۶/۳۰ در شورای فوق‌الذکر واقع در قزوین خ ولیعصر شورای حل اختلاف قزوین حاضر و ضمن دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اعلام آدرس صحیح خود در جلسه شورا حضور به هم رساند در غیر این صورت شورای حل اختلاف اقدام به اتخاذ تصمیم قانونی خواهد نمود.
دبیرخانه شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف شهر قزوین

آگهی ابلاغ در وقت دادرسی حقوقی

در پرونده کلاسه حقوقی ۹۱۰۱۲۰ شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف قزوین آقای حسین کیوانی فرزند محمد دادخواستی تقدیم شورا نموده‌اند مبنی بر مطالبه وجه سفته ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال چون آقای محمود حاجی استاد نورانی مجهول‌المکان می‌باشد لذا بدین‌وسیله به وی ابلاغ می‌گردد تا در روز ۹۱/۵/۳۱ ساعت ۱۶/۱۵ در شورای فوق‌الذکر واقع در قزوین خ ولیعصر شورای حل اختلاف قزوین حاضر و ضمن دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اعلام آدرس صحیح خود در جلسه شورا حضور به هم رساند در غیر این صورت شورای حل اختلاف اقدام به اتخاذ تصمیم قانونی خواهد نمود.
دبیرخانه شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف شهر قزوین